

درامی تماشایی در «اسطوره و پروانه»

فیلم سینمایی «اسطوره و پروانه» با گویبگنگی ۱۸ نفر از گویندگان گفتار فیلم در واحد دوبلاژ اداره کل تاملین و رسانه بین الملل سیما دوبله شد. این سینمایی در گونه درام و تاریخی محصول سال ۲۸۲۳ زاین قرار است از شبکه نمایش سیما پخش شود. مدیر دوبله این سینمایی علیرضا باشکندی و صدابردار آن سعید عابدی است. بابک اشکیوس، دانیال ابیاسی، علی بیگ‌محمدی، جواد پزشکیان، محمد تنهایی، ارسلان جولایی، امیر حکیمی، حسین

۶۰ سال زندگی در سرزمین مادری

مهرداد ضیایی، مجموعه نمایشی روی آنتن شبکه ۳ را روایتگر بی طرف ۶۰ سال از تاریخ ایران می داند



زینب علیپور طهرانی گروه رسانه

«سرزمین مادری» از آن دست مجموعه‌هایی است که مخاطب را به تفکر و تعمق در تاریخ وامی‌دارد. مجموعه‌ای به کارگردانی کمال تبریزی که در سه فصل تهیه و تولید شده و فصل سوم آن درحال حاضر روی آنتن است. مجموعه‌ای پربازیکر که متشکل از هنرمندان توانمندی است که توانسته‌اند

برخی از کارهایی که در حال حاضر تولید می‌شود، آن حساسیت‌ها، وسواس‌ها و دقت‌ها کمتر رعایت می‌شود. ولی تماشاگر همیشه در دوران کاری ما و در طول تاریخ تلویزیون ثابت کرده اگر برای کاری زحمت یکشیم و دقت و وسواس به خرج دهیم و تمام عواملی را که در اختیار داریم به بهترین شکل ممکن به کار بگیریم و کار کنیم، او هم پاسخ می‌دهد. در زندگی هنری خودمان بسیار دیده‌ایم یک سری از کارها که با وسواس و دقت بیشتری به آنها توجه شده‌توانسته مخاطب را جذب کند. مطمئنا تماشاگر ما به واسطه فضای مدیا که بر کلیت جامعه حاکم است فهیم، با شعور و یادکر شده که اگر خوراک خوبی به او بدهیم فرق خوب و بد، ضعیف و متوسط و عالی را کاملا تشخیص می‌دهد و انتخاب می‌کند. همه همکاران هنری من زحمت می‌کنند، ولی معمولاً آن کاری مورد توجه قرار می‌گیرد که برای آن زحمت بیشتری کشیده شده باشد. خدامی‌داند که همه عوامل این کار،

ولی باید جانتان را برای آن بگذارید. برای هر سکانس که از ساعت شش صبح تا شش عصر می‌رفتیتم، واقعا سعی می‌کردیم با تمام ظرافت و دقت به بهترین شکل ممکن کار کنیم. این یک مثال خیلی کوچک است و می‌خواهم تماشاگر متوجه آن شود؛ یک روز در میدان بهارستانی که ساخته شده بود صحنه‌ای

خدادادیگی، زهرا سوهانی، ابوالفضل شاه‌پورامی، پریا شفیعیان، مرضیه صفی‌خانی، نغمه عزیزی پور، علی همت مومینود، حسین نورعلی، آرتیا یاراحمدی و علیرضا باشکندی صدایشگان این اثر بوده‌اند. خلاصه روایت این اثر از این قرار است که اودا نونیکو، پسر لرد بزرگ برای دفع خطر دشمنی و غلبه بر فرماندهی معروف، ناچار به ازدواج با نوهیم، دختر او می‌شود اما این ازدواج به دلیل عقده حقارت نونیکو در برابر نوهیم که زنی بسیار مدبر است به سردی

به نقش‌هایشان جان ببخشند. مهرداد ضیایی یکی از بازیگران این مجموعه است که در دو فصل از «سرزمین مادری» حضور داشته و نقش اکبر تفرشی، دایی رهی را بازی کرده‌است. ضیایی تاکنون در مجموعه‌های بسیاری ایفای نقش کرده ازجمله: سرگذشت، گمشدگان،

سر تک‌تک پلان‌ها و سکانس‌ها با چه ظرافت و دقتی از دل و جان مایه می‌گذاشتند. برای این‌که می‌دانستند کاری را تولید می‌کنند که حداقل از نظر عوامل و تماشاگر کار فاقری است؛ نه به این معنی که بودجه آنچنانی داشته باشد، بلکه کاری فاخر است که بتوانید در جزء لحظات آن وسواس هنری خوبی به خرج دهید و جوهره کار را به تماشاگر منتقل کنید. می‌توانم بگویم از همان روز اول که همه‌ما در کنار هم جمع شدیم با بهتر بگویم از ابتدای فصل ۲ و بعد از فصل یک، می‌دانستیم باید چه کنیم و به چه سمت و سویی برویم. این کار درست‌رمانی به من پیشنهاد شد که در روزهای آخر فیلمبرداری «در مسیر زاینده‌رود» با آقای فتحي بودیم، یک تماس فوق‌العاده از طرف آقای تبریزی و گروه سازنده با من گرفته شد تا وارد این فضا شوم، خوشبختانه چون آقای محبوب هم سر آن کار بود، اولین کسی بود که با او صحبت کردم و گفت

این کار خیلی متفاوت است؛ روزی یک سکانس است

ولی باید جانتان را برای آن بگذارید. برای هر سکانس که از ساعت شش صبح تا شش عصر می‌رفتیتم، واقعا سعی می‌کردیم با تمام ظرافت و دقت به بهترین شکل ممکن کار کنیم. این یک مثال خیلی کوچک است و می‌خواهم تماشاگر متوجه آن شود؛ یک روز در میدان بهارستانی که ساخته شده بود صحنه‌ای

من با سید جمال سیدحاتمی سر سریال «مهیار عیار» هستم، قبل از شروع فصل سه، خیلی اتفاقی باهم گفت‌وگو می‌کردیم و من نگران بودم که مبداا با تغییر بازیگران در این فصل، افت تماشاگر داشته باشیم، او گفت نگران نباش. درست است هر بازیگری جایگاه خود را دارد اما تماشاگر این‌قدر

دگرگو قسه و اتفاقات شده که چندان به این قضیه توجه نمی‌کند. وقتی پخش شد، می‌توانم به جرأت بگویم با این‌که همه فصل‌های آن درخشان است ولی به‌نظر من فصل ۳ از لحاظ چفث‌وبست قصه طوری به‌هم پیوسته است که این تغییر بازیگر خیلی آزارمان نمی‌دهد و بیشتر درگیر قصه و روایت می‌شویم. همه بازیگرها محترم و در جایگاه خودشان بسیار عزیز هستند ولی فکر می‌کنم تماشاگر با شخصیت‌ها همراه شده، نه بازیگر.

تیم سازنده این کار روایتگر تاریخ است و همان‌طور هم که شما گفتید قضاوت را به عهده مخاطب گذاشته است. چقدر این روایتگری و بازخوانی در قالب یک اثر نمایشی موثر و مهم است؟

آقای طالب‌زاده هشت سال از عمر خود را صرف نوشتن این کار کرده که زمان زیادی است. وقتی اولین بار این متن به دستم رسید، فصل‌های یک، ۲ و ۳ را کامل خواندم که حدود۱۲۰۰ صفحه متن بود؛ ولی این قدر برابم جذاب و دلنشین بود که بدون هیچ پیش‌زمینه تاریخی حضور همه گروه‌ها، جناح‌ها و حزب‌های مختلفی که به شکلی در شکل‌گیری انقلاب دخالت داشتند را دیدم، طبعاً وقتی

شما در مجموعه‌های بسیاری نقش‌های متفاوتی را بازی کرده‌اید، اما برای اولین بار است که شش سال از عمرتان را صرف بازی در یک مجموعه‌ای کرده‌اید و ایفاگر نقشی بودید که برایتان تجربه جدید و متفاوتی بود. آن هم همکاری با کارگردانی چون کمال تبریزی که در این سه فصل تاریخ را به خوبی مرور کرد. درباره جذابیت‌ها و ویژگی‌های این تجربه بگویید.

مهم‌ترین بخش قضیه و یکی از جذابیت‌های نقش اکبر برای من این بود که این آدم روند داشت. یعنی در فصل یک، این شخصیت بچه است و بازیگر هشت‌ساله‌ای بازی می‌کند. بعد، اولین سکانس فصل ۲ همان سکانس تعمیر حوض و اتفاقی است که به نوعی شروع این آدم و نوع ارتباطش با خانواده و با شخصیت رهی را نشان می‌دهد. درواقع من دایی او هستم، ولی مثل دو برادر با هم بزرگ می‌شویم. روندنقش من به آنجایی رسد که یکبار ه از خانواده می‌برد و در ابتدای فصل ۳ می‌بینیم که اصلاً موجود دیگری شده است و در آن فضا با تنشی که به وجود می‌آید، آرام‌آرام دوباره به حالت معمولی خود برمی‌گردد و خودش یک مبارز می‌شود و به اتفاقاتی می‌رسیم که هنوز انتهایش را ندیده‌ایم، این شخصیت خودش وارد قضیه مبارزه می‌شود. باید بگویم روند این شخصیت خیلی برای من جذاب بود. چون از ابتدا تماشاگر با این شخصیت بلا تکلیف است اما به مرور نقش او در کلیت قصه، تأثیری که رهی، فضا، موقعیت‌ها و اتفاقات طول زندگی‌اش بر او می‌گذارد جذاب می‌شود.

همین بلا تکلیفی نقش هم برای شما جالب بود و هم برای مخاطب. این‌طور نیست؟

بله، دقیقاً. چون از شروع نقش نمی‌دانستیم او شخصیت منفی دارد یا مثبت و به کجا ختم می‌شود و در قصه تأثیر دارد یا خیر. این برای خود من خیلی جذاب بود. علاوه بر این بافت و گویی که با خود آقای تبریزی و سید جمال سیدحاتمی داشتیم، همیشه تأکید ما بر این بود که این آدم لو نرود تا آرام‌آرام کاری ما باز شود. مثلاً در فصل ۲ در بخش‌هایی می‌دیدیم که او شکت‌هایی می‌زد، با بافت و گوی خیلی جذابی که شب‌گم‌شدن علی بین من و رهی اتفاق می‌افتد و قضیه سربازی‌اش را لو می‌دهد. بعد کشته‌شدن علی و انفجار یکبار ه این آدم و جلو قرار گرفتن در آن شرایط. بعد آرام‌آرام پیش می‌رفتم تا به اول فصل ۳ می‌رسیدیم و یکبار ه می‌دیدیم به این فلاکت افتاده و بار هم درگیری اول و لونی‌رفت تا به قضیه‌اش با عباس و آن تورور می‌رسید و اتفاقاتی که بعد می‌افتد. هم آقای طالب‌زاده در نگارش به این مسأله بسیار دقت کرده بود و هم در کارگردانی و بازیگری سعی کردیم گروه‌های این آدم را آرام‌آرام باز کنیم. این نه تنها در مورد شخصیت اکبر، بلکه به‌نظرم واقعا یکی از جذابیت‌های این سریال همین بود که ما با آدم‌های مختلفی روبه‌رو هستیم که اول با آنها بلا تکلیف بودیم و هر قدر جلوتر می‌رفت گروه‌ها باز می‌شد. این برای تماشاگر خیلی جالب است که خودش هم گره‌گشایی کند و هم آن نقش در طول روند گره‌گشا باشد. قطعاً هم برای ما چالش جذابی بود که سعی کنیم رو بازی نکنیم و هم برای مخاطب اتفاق خوبی بود. می‌توانم بگویم تجربه‌ای خیلی شیرین و یکی از بهترین تجربیات کاری من بود.

پس ارزش این همه زمان صرف کردن را داشت؟

بله؛ هر چند اکثر بازیگران این سریال عاقبت به خیر شدند، ولی اگر این سریال در زمان خود پخش می‌شد شاید تأثیر آن می‌توانست خیلی بیشتر از آن چیزی که حالا هست باشد. هر چند خوشحالی همه ما بازیگران و عوامل این است که حداقل تمام این زحمت جواب داده و دیده شده، ولی شاید اگر در زمان خودش این اتفاق می‌افتاد می‌توانست تأثیر بهتر و بیشتری هم داشته باشد.

اتفاقا هنوز هم توانسته

سریال موفق و تأثیرگذار و پربیننده‌ای باشد.

بله، در این شکی نیست؛ چون خود

ما که در این فضا هستیم و می‌دانیم همه

چیز درست و پیا بوده است. متأسفانه در



می‌گراید. با این حال کم‌کم بین این دو نفر عشق آتشینی به وجود می‌آید و در نهایت زمانی که بالاخره بعد از فراز و نشیب بسیار به یکدیگر می‌رسند. نوهیم به بیماری لاعلاجی مبتلا شده و جان خود را از دست می‌دهد و نونیکو نیز در آخرین نبردش مغلوب می‌شود. اسطوره و پروانه یک درام تاریخی بسیار لطیف و انسانی است که از نظر فنی و فیلمنامه قابل توجه و در عین حال تا حد زیادی سرگرم‌کننده و جذاب و تماشایش برای مخاطب رضایت‌بخش

تماشاگر با روایتی که از طرف ما به عنوان گروه سازنده و نویسنده و کارگردان مواجه می‌شود می‌تواند زود قضاوت کند که اینها چقدر تأثیر داشتند و مانع یا پیش برنده بودند و هر کدام در جایگاه خود تأثیرات‌شان را داشتند. نمی‌توانیم تاریخ را انکار کنیم و تماشاگر می‌تواند تشخیص بدهد که این درست یا غلط است و چقدر پیش برنده یا مانع بودند؛ مثلاً درباره مصدق زیاد حرف زدیم و شنیده‌ها و دیده‌هایمان در مورد کودتای ۲۸ مرداد خیلی زیاد است؛ ولی به‌نظرم اولین بار بود که از زاویه یک فرد کاملاً بی‌طرف روایت‌ات که چه اتفاقی افتاده و چطور یکبار ه همه چیز این طور شد را می‌بینیم و می‌توانیم تعیین کنیم که آیا مسیری که رفتند درست یا غلط بوده است یا کاش این طوری و آن طوری می‌شد. یکی از نکات بسیار مهم تماشاگر هم که این قدر توانسته با این کار تاریخی همذات‌پنداری کند این است که تصوری می‌کنده‌ی یکی از همسایه‌ها یا از نزدیکان خودش است که وارد جریان می‌شود و آن جریان او را جلوی می‌برد؛ یعنی انگار تماشاگر یکی از آدم‌های سریال و در میان این موج است و تلاطم او را به بالا و پایین و این طرف و آن طرف می‌برد. وقتی سریال را تماشا می‌کنید می‌توانید با همه شخصیت‌ها همذات‌پنداری کنید؛ چون از جنس خود مردم هستند و یک فرد عجیب و غریب یا یک یتمن یا سوپرمن نیستند و از کف جامعه ما وارد این جریان شدند.

همین که در شخصیت پردازی‌ها اغراق نشده و کاراکترها ملموس و باورپذیر هستند هم یکی دیگر از ویژگی‌های این مجموعه است.

یکی از چیزهایی که در طول بازی و اجرای کار خیلی مورد تأکید آقای تبریزی بود. این که به هیچ عنوان سراغ اغراق نرویم و شعار ببخود ندهیم. حرف‌هایی که مال این آدم‌ها نیست. وارد ذهن آنان نگذاریم تا به دل مان بنشیند؛ چون این مجموعه از آن‌له تیغ‌ها بود که به راحتی می‌تواند وارد شعارزدگی شود؛ اما حداکثر توجه شد که به هیچ عنوان وارد شعارزدگی نشود تا ارتباط درست‌تر و عقلانی‌تری با شعور تماشاگر داشته باشد و این روی میزان تأثیرگذاری‌اش بسیار موثر است.

اشاره کردید که اگر این سریال در زمان خودش پخش می‌شد، در روشنگری تاریخ و آگاهی بخشی مخاطب تأثیر زیادی داشت.

آدم‌های امروز جامعه با آدم‌های ۱۰ سال پیش خیلی فرق دارند؛ یعنی روند و فضای حاکم بر جامعه و تأثیرات شرایط محیطی، اقتصادی و سیاسی روی همه تأثیر دارد. اگر این سریال در زمان خودش پخش می‌شد، با توجه به آدم‌هایی که در آن زمان بودند و نوع تأثیر شرایط روی‌شان می‌توانست بازخوردهای بهتری از نظر روشنگری جامعه داشته باشد؛ ولی چیزی که در این سریال خیلی به ماکمک کرد این که روایتگر یک تاریخ ۶۰ ساله از حدود ۴۵-۴۰ سال پیش هستیم و می‌تواند منبع و مرجع خیلی خوبی برای این حرکت ۶۰ ساله از ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۰ باشد. این که می‌گویم می‌تواند تأثیر بهتری داشته باشد به این معنا نیست که الان تأثیرش کمتر است؛ این نگاه را از نظر تأثیر بازیگران و عوامل می‌گویم و نه این که اگر الان پخش شده تأثیر اجتماعی‌اش کمتر شده است. طبعاً اگر آن موقع پخش می‌شد، هر کدام از بازیگرانی که در آن زمان زحمت کشیده بودند می‌توانستند دسترنج خود را در فضای هنری جامعه به شکل دیگری دریافت کنند؛ اما سریال این قدر قابلیت دارد، همین الان هم که پخش شده و بازخوردهایی که از طرف تماشاگران می‌آید برای همه ما بسیار دلپذیر و شیرین است.

بخش‌هایی از آن را برای تعدادی از بازیگران نشان می‌دادند یا خودمان دوست داشتیم ببینیم. یادم است یک بار با شهاب حسینی به دفتر رفتیم و چند قسمت که هنوز تدوین درستی نشده بود را دیدیم. همان موقع هم می‌دانستیم چقدر درخشان است و وقتی می‌دیدیم به شکلی به هیجان می‌آمدیم تا سعی کنیم با دقت و وسواس بیشتری وارد کار شویم. به جرأت می‌گویم سریالی با این حجم قسمت حتی یک ثانیه اضافه نداشت و شاید در جاهایی تماشاگر داش می‌خواست بیشتر ببیند ولی کارگردان تأکید می‌کرد سعی کنید قطره چکانی به آن اطلاعات وارد کنید و او را تشنه‌تر کنید و این یک خاصیت در هنر است و هر چه تلاش کنید قطره‌قطره به مخاطب بدهید اشتیاق او را بیشتر می‌کند و به‌نظرم این سریال چنین کاری کرد.

پخش

راهی به سوی کربلا از «طریق» شبکه یک

فصل دوم «طریق» به تهیه‌کنندگی محمدحسین سعادتی هربش ساعت ۲۰ از شبکه یکسیما روی آنتن می‌رود. برنامه طریق که سال گذشته در فصل اول با روایت پشاده‌رووی اربعن و موبک‌های پذیرایی زائران روی آنتن رفته بود، این‌بار در فصل جدید به روایت اتفاقات زندگی مهمانان برنامه درخصوص امام حسین(ع) می‌پردازد.

طریق با اجرای مجید یراقیانف به روایت حال‌وهوای مهمان هر قسمت در سه پرده می‌پردازد؛ پرده نخست گذشته مهمان برنامه پیش از یک اتفاق خاص و نزدیکی بیشتر به امام حسین(ع)، پرده دوم روایت اتفاقی که باعث تحول روحی او شده و پرده سوم حال‌وهوای مهمان برنامه بعد از وقایع روایت‌شده را به تصویر می‌کشد. بنابراین گزارش، آیتم دیگر برنامه، داستان یک کارگردان است که به‌واسطه یک شهید زندگی‌اش تغییر می‌کند و تصمیم می‌گیرد برای سیدالشهدا کار بسازد؛ بنابراین طریق در هر قسمت سفری را از تهران تا کربلا همراهی می‌کند.

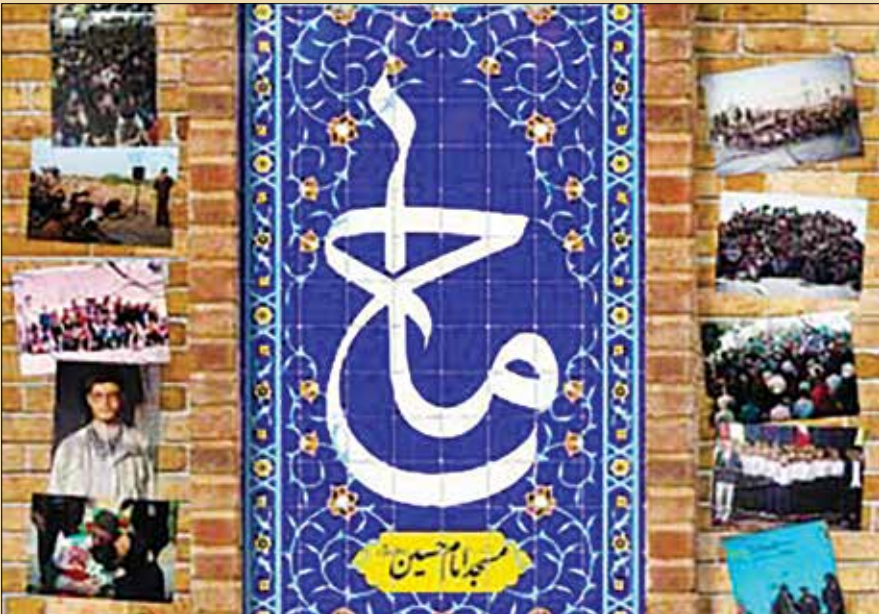
طریق کاری از گروه معارف اسلامی است که در ۱۶ قسمت ۵۰ دقیقه‌ای تهیه شده است.



مستند در قاب

روایت یک مسجد در مستند «ماح»

مستند «ماح» امشب ۲۳ مرداد ساعت ۲۳ روانه آنتن شبکه دو سیما می‌شود. این مستند روایتی از شکل‌گیری و فعالیت‌های خودجوش و متفاوت بچه‌های مسجد «امام حسین(ع)» جهرم است و فعالیت‌های فرهنگی این مسجد را در عمر نزدیک به ۳۰ ساله آن به تصویر می‌کشد. این مستند به کارگردانی سیدعباس طهماسبی و در گروه رسانه‌ای ماح تهیه شده است.



دریچه

قصه هلال و ناله به آنتن می‌رود

روایت تاریخی، عاشقانه و درام در سریال «عشق‌کوفی» که پیش از این روی آنتن رفته بود، قرار است به زودی دوباره در قاب جادو نقش ببندد. با پخش آخرین قسمت سریال «ارمغان تاریکی» از روز دوشنبه ۲۹ مرداد مجموعه تلویزیونی عشق کوفی جایگزین آن در شبکه‌ای فیلم خواهد شد. این سریال به کارگردانی حسن آخوندپور محصول سال ۱۴۰۲ است، مجموعه تلویزیونی ایرانی عشق کوفی به کارگردانی حسن آخوندپور و نویسندگی مشترک فائزه یارمحمدی و بزدان محمدکاظمی روایت‌گر یک عشق در سال ۶۱ هجری قمری است که اتفاقات کوفه و کربلا، آن را دستخوش تغییراتی می‌کند. از جمله بازیگران این سریال می‌توان به لعل‌ازنگه، نادر سلیمانی، سعید شریف، بشنم قربانی، حسین سلیمانی، سوگل طهماسبی، نادر قلاح، مهسا مهجو، مریم کوبانی و سید جواد هاشمی اشاره کرد. در خلاصه داستان این سریال آمده است: وقایع این سریال در سال ۶۱ هجری قمری اتفاق می‌افتد و در آن شاهد روایتی از عشق پسری کم‌تأد را به نام هلال از خاندان علوی و دختری نازبوره به نام ناله از خاندان عثمانی هستیم که درگیر مسائل سیاسی و مذهبی دوران خود می‌شوند.



مستند در قاب